

سید روح الله موسوی خمینی

ایشان از سنین کودکی و نوجوانی با بهره گیری از هوش سرشار ، قسمتی از معارف متداول ...



ولادت : 1320ق.

محل ولادت: خمین

وفات: 1409ق.

محل دفن: تهران

محل تحصیل: قم

اساتید : حضرات میرزا علی اکبر حکیمی یزدی ، شیخ عبدالکریم حائری، سید محمد تقی خوانساری ، ابوالحسن رفیعی قزوینی و...

استاد عرفان : میرزا محمد علی شاه آبادی

تالیفات: مصباح الهدایة الی الخلاقة و الولاية ، شرح جنود عقل و جهل ، حاشیه بر اسفار ، سرالصلوة و...

ایشان از سنین کودکی و نوجوانی با بهره گیری از هوش سرشار ، قسمتی از معارف متداول روز و علوم مقدماتی و سطح را فرا گرفت . پس از هجرت به حوزه علمیه قم به سرعت مراحل تحصیلات تکمیلی علوم حوزوی را طی کرد و طی سالیان طولانی به تدریس دوره های فقه و اصول و عرفان و اخلاق اسلامی در قم و نجف پرداخت . تالیف کتاب های شرح دعای سحر و مصباح الهدایة در حدود سی سالگی نشان از افکار عمیق و روح بلند عرفانی ایشان در این سنین دارد . از آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی نقل است : من شصت سال امام را زیر نظر داشتم و حتی یک مورد ترک اولی از ایشان ندیدم !حضرت امام به قرائت قرآن بسیار تقید داشت زمانی که چشمانش ناراحتی پیدا کرده بود دکتر به ایشان گفت که چند روز قرآن نخوانید و استراحت کنید . امام خندید و فرمود : من چشمم را برای قرآن خواندن می خواهم چه فایده ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم در هنگام عبادت نه اهل علم بود و نه سیاسیت چنان مشغول عبادت می شد که گویی کار دیگری جز عبادت ندارد. دعای عرفه را با وجود سن زیاد به حالت ایستاده می خواند . عشق و علاقه اش به اهل بیت (ع) وصف ناشدنی بود. آقای کوثری نقل می کرد: پس از شهادت مرحوم آقا مصطفی در نجف خدمت امام رسید عرض کردم اجازه می دهید ذکر مصیبتی کنم ؟ اجازه فرمودند هر چه نام آقا مصطفی را بردم تا با آهنگ حزین امام را منقلب کنم که در عزای پسر اشک بریزید همچنان ساکت و آرام بودند ولی همین که نام حضرت علی اکبر را بردم هنگامه شد . امام چنان گریستند که قابل وصف نیست . رهبری و هدایت حکیمانه او در انقلاب اسلامی ایران تجدید حیات اسلام را به دنبال داشت . عارف مجاهدی که قدرت های جهان را به زانو درآورد هنگام بازگشت به ایران وقتی متوجه تلاش کمیته استقبال شد فرمود مگر می خواهند کوروش را وارد ایران کنند؟ طلبه ای از ایران خارج شده و همان طلبه به ایران برمی گردد آخرین روزهای عمر شریفش تقریباً در حالت اغما بود و تنها هنگامی که وقت نماز را به ایشان اعلام می کردند چشمانش را می گشود و نماز را به جا می آورد .

ایشان طبعی روان و ذوقی سرشار داشت این بیت از سروده های ایشان است

غم مخور ایام هجران رویه پایان می رود

این خماری از سر ما می گساران می رود....